فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵- صفحات ۱۴۶-۱۳۵

ضرورت افزایش استقلال بانک مرکزی در اقتصاد ایران از منظر اسلامی با تاکید بر کنترل تورم

امیرحسین مزینی[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

چکیده

در اقتصادهایی همچون ایران که از تورم ساختاری و مزمن رنج می برند سیاستهای پولی نقش بسیار کلیدی در شکل گیری تورم دارند. هرچند که پدیده هایی چون فشار تقاضا، رفتارهای سفته بازانه، نوسانهای فصلی و ... نیز در این رابطه موثر هستند. بدیهی ترین پیامد تورم کاهش قدرت خرید پول به عنوان بخشی از دارائی شهروندان است. این پدیده در مضامین اسلامی مصداقی از "نقص در مال غیر" است که بصورت مکرر در آیات شریفه قرآن و روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته و افراد و حکومت اسلامی از آن پرهیز داده شده اند. بنابراین بنظر می رسد می توان حکومت اسلامی را از مجرای اعمال سیاستهای ناکارای پولی (در کنار سایر عوامل بروز تورم) مسئول (ضامن) بخشی از نقص در مال بوجود آمده برای شهروندان دانست. این بدان معناست که جبران آن بخش از نقص در مال شهروندان که ناشی از تورم است، از منظر اخلاق اقتصادی اسلام، می تواند از تعهدات دولت اسلامی بحساب آید که می بایست وی خود را نسبت به آن ملتزم دانسته و پیوسته آن را کاهش دهد. ضمن اینکه در راستای کمّی نمودن مقدار این ضمان می توان از شاخص "تورم هسته" بهره جست. بنظر می‌رسد در راستای حداقل نمودن این موضوع افزایش استقلال بانکهای مرکزی از دولتها (از جمله در ایران) می تواند یک راهکار اساسی، حتی از منظر اسلامی، به حساب آید.

واژگان کلیدی: تورم، سیاست پولی، بانک مرکزی، اسلام، اقتصاد ایران

طبقه بندی JEL : E40, E50, N30

---

۱. عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس mozayani@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

۱- مقدمه

سیاست‌های پولی از جمله مهمترین سیاستهای کلان اقتصادی هستند که در زمره وظایف اصلی بانکهای مرکزی بشمار می روند. بنا به تعریف سیاست های پولی مجموعه اقداماتی هستند که بانک‌های مرکزی(سیاستگذاران پولی)به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌برند؛ اگر چه اهداف مقطعی و کوتاه مدت سیاست‌های پولی کنترل نقدینگی و کارایی هرچه بیشتر نظام بانکی است. سیاست‌های پولی با اثرگذاری بر عرضه پول و نرخ بهره(نرخ سود)بسیاری از اهداف اقتصادی مانند اشتغال، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی را متأثر می سازند. مقامات پولی با استفاده از این ابزارها بر چگونگی مصرف پول در اقتصاد تأثیر گذاشته و حجم پول را در اقتصاد تغییر می دهند(قلی بگلو، ۱۳۹۰).

متولی اعمال و مدیریت سیاستهای پولی بانکهای مرکزی هستند که از بدو تاسیس تا کنون این وظیفه را برعهده داشته اند. از نظر تاریخی تشکیل اولین بانک‌های مرکزی در دنیا به قرن ۱۷ میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۶۹۴ بانک مرکزی انگلیس به عنوان یک شرکت سهامی تاسیس شد که وظیفه عمده این بانک قرض دادن به دولت و خرید بدهی‌های دولتی بود. قبل از آن بانک‌های عمومی دیگری نیز نظیر بانک سوئیس (۱۶۶۸) و بانک آمستردام (۱۶۰۹) وظایف مشابهی داشتند. اما بانک مرکزی انگلیس، مهم‌ترین و منسجم‌ترین آنها و به عنوان نقطه آغاز بانکداری مدرن شناخته می‌شود. پس از آن به تدریج بانک‌های مرکزی در دیگر کشورها نیز تاسیس شدند و علاوه بر تامین بدهی دولت، مدیریت نقدینگی و تسهیل روابط بین بانک‌های تجاری و ارائه خدمات مالی و اعتباری نیز به فعالیت‌های بانک‌های مرکزی اضافه شد.

با ایجاد نظام استاندارد طلا و تثبیت رژیم نرخ ثابت ارز بین کشورهای صنعتی، نقش بانک‌های مرکزی به عنوان متولی حفظ ارزش پول و ثبات قیمت‌ها بیش از گذشته اهمیت یافت. در این دوره بانک‌های مرکزی با تعهد تبدیل پول به طلا و اتکا به ذخایر طلای خود، هدف اصلی خود را ثبات قیمت طلا قرار داده بودند. از آن دوره به بعد با توجه به تحولات موجود در اقتصاد جهانی محدوده وظایف بانکهای مرکزی مورد باز تعریف قرار می گرفت و عملا سیاستهای پولی و بانکهای مرکزی بعنوان جزء غیر قابل اغماض در فرایند رونق و رکود اقتصادی کشورها مورد تاکید قرار گرفتند.

از جمله موضوعاتی که در این سیر تحول در محافل علمی و اجرایی پیوسته مورد تاکید قرار گرفته محدوده تعامل بانکهای مرکزی با نهادهای تصمیم گیر اقتصادی در ساختار حاکمیتی کشورها می باشد. به عبارت دیگر اینکه بانکهای مرکزی در را ستای وظایف ذاتی خود و نیز پاسخگویی به انتظارات موجود تا چه حد می توانند بصورت مستقل (از ملاحظات دولتها) عمل نمایند؟ و یا اینکه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

تا چه حد با سیاستگذاران اقتصادی تعامل داشته باشند؟ که اصطلاحا از این پدیده به "استقلال نسبی بانکهای مرکزی" یاد می شود. اهمیت این موضوع بیشتر زمانی مشخص می شود که مهمترین وظیفه بانک مرکزی را مدیریت موثر سیاستهای پولی بدانیم.

بدیهی است چنانچه سیاست پولی را، استفاده از ابزارهای پولی جهت نیل به اهداف اقتصادی از طریق تحت تاثیر قراردادن جریان مخارج اقتصاد تعریف نماییم. آنگاه مقامات پولی قادر خواهند بود تا کلیه متغیرهای اقتصادی از قبیل تولید، اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، مخارج دولت و... را از طریق تغییر درعرضه پول، و یا تغییر در انتظارات عامه درباره نرخ بهره، یا هردو، تحت تاثیر قرار دهند (مجتهد، ۱۳۹۱). اینجاست که جایگاه بانک مرکزی در مدیریت اقتصاد ملی هر چه بیشتر مشخص می گردد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مشخص می گردد که معلوم شود عملکرد ناکارای بانک مرکزی (ویژه از محل عدم استقلال این بانک و متعاقبا فشارهای وارده از طرف دولتهای متبوع) باعث ایجاد خسارتهای مختلف و از جمله کاهش ارزش مالی داراییها و یا درآمدهای پولی شهروندان می شود. بگونه ای که از نظر ملاحظات اسلامی تحت شرایطی بانکهای مرکزی و به طریق اولی دولتها مسئول (ضامن) بروز این خسارت شناخته شوند که طبیعتا جبران آنها نیز (بعنوان مدیون) بر عهده خود ایشان خواهد بود. از مصادیق این موضوع می توان به پدیده تورم و خسارات مالی آن از محل کاهش قدرت خرید داراییهای پولی مردم اشاره نمود که تا حد زیادی ریشه در ناکارایی سیاستهای پولی اعمال شده توسط دولتها و حاکمیت دارد که در اقتصاد ایران نیز طی سالهای اخیر مشهود می باشد. میزان و دامنه وسیع خسارت وارده به مردم ناشی از تورم اقتضاء می نماید که این زیانها حتی الامکان جبران شده و مهمتر آنکه به حداقل ممکن کاهش یابد. بنظر می رسد یکی از راههای تحقق این مهم ساماندهی به سیاستهای پولی از محل افزایش استقلال بانکهای مرکزی می‌باشد که از منظر ملاحظات اسلامی نیز می تواند یک ضرورت (حداقل از منظر اخلاقی) به حساب آید. بررسی این موضوع با تاکید بر اقتصاد ایران موضوع مقاله حاضر می باشد.

۲- مفهوم پول و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی

کلمه پول، ریشه ای یونانی دارد که از واژه لاتینی پکوس به معنای گله، گرفته شده است اما در گذر زمان، بر تمامی ابزارهای عمومی سنجش کالاها، با ارزشهای چندگانه و نوعهای چندگونه، مانند: فلزی، کاغذی و غیره، (پول) نام گذارده شده است. برای اقتصاددانان معنای واژه پول متفاوت از درآمد و ثروت است. پول آن چیزی است که عموما برای پرداخت در ازای کالاها و خدمات یا در بازپرداخت دیون مقبول عامه واقع می‌شود. (قضاوی، ۱۳۸۸)

آنچه که بحث پول را در اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف متمایز می کند بحث چیستی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

ماهیت پول است. در نظام سرمایه داری نظریه پردازان فراوانی عنوان داشته اند که پول کالاست و تعداد فراوانی نیز آن را دارایی یا سرمایه میدانند. به طوری که برخی بر این باورند که اگر پول فقط و سیله مبادله با شد، نباید و نمیتواند به آن بهره تعلق بگیرد (توتونچیان، ۱۳۷۹). برخی از فقها پول اعتباری را مال و حامل ارزش تلقی می کنند اما عنوان کالا به آن اطلاق نمی نمایند. ایشان اعتقاد دارند که پول ارزش مبادله ای محض اشیاء و قدرت خرید کل است؛ از اینرو یک مال اعتباری است؛ در حالی که سرمایه مال حقیقی است که در پدید ساختن کالاها و خدمات نقش مستقیم دارد. بنابراین پول و سرمایه در ماهیت متفاوت هستند (نظری و دیگران، ۱۳۹۰:۲۵).

برای پول چهار تعریف ارائه شده است:

۱. پول چیزی است که بیانگر مالیت مال و ویژگیهای شخصی آن از نظر عرف لغو شده باشد.

۲. پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه های خصوصی و شخصی اموال است.

۳. پول چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادلهای خالص باشد.

۴. پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله ای آن است. (داودی و صمصامی، ۱۳۸۷).

در کنار موارد فوق برخی پول را یک کالای عمومی معنا می کند (توتونچیان، ۱۳۷۹) و برخی دیگر پول را کالای مشترک می داند (عیوضلو، ۱۳۸۷). ضمن اینکه اکثر فتواهای فقیهان درباره احکام پول مربوط به درهم و دینار است. تغییرهایی که چهارده قرن تاکنون در ماهیت و پشتوانه پول اتفاق افتاده، باعث شده است که بتوانیم ادعا کنیم بسیاری از احکام مربوط به درهم و دینار بر پول های فعلی نمیتواند جاری باشد (همان).

همانطور که مشاهده می‌شود در ارتباط با ماهیت پول تنوع دیدگاه وجود دارد. از دیدگاههای مطرح شده توسط صاحبنظران اقتصادی پیرامون پول اینگونه برمی آید که کالا بودن پول را پذیرفته‌اند ولی در ارتباط با اینکه پول ماهیتا چه نوع کالایی می باشد، هنوز بحث وجود دارد.

۳- کاهش ارزش پول از منظر ملاحظات اسلامی

خداوند در آیاتی از قرآن کریم به وفای وزن و کیل امر کرده و از نقصان در آنها نهی کرده است و در برخی از روایات نیز معصومان علیهم الصلوة والسلام مردم را از معامله با دراهم مغشوش بر حذر داشتند. بصورت نمونه می توان به برخی موارد به شرح زیر اشاره نمود:

۱- أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلاَ تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (شعراء ۲-۱۸۱)

۲- فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلاَ تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلاَ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاَحِهَا ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (اعراف،۸۵).

۳- وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ، الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلاَّ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

يَظُنُّ أُولئِکَ أَنَّهُم مَبْعُوثُونَ (مطففین، ۳-۱).

۴- وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ (شعراء ۱۸۳)

۵- قال رسول اللّه: من غشّ مسلماً فی شراء او بیع فلیس منّا.

در ارتباط با آیات و روایاتی از این دست نکته ای که مطرح شده آن است که این مضامین الزاما مربوط به منا سبات شخ صی افراد نمی شود بلکه در سطح اجتماع و دولت نیز م صداق می یابند. ضـمن اینکه صـرفا محدود به کیل و وزن نبوده و می توانند همهٔ مقیاس ها و معیارهای متضـمن ارزش را در بر گیرند که مصـداق بارز آن خود پول از جنبه کالایی آن می باشـد و نه صـرفا وسـیله مبادله. در اقتصاد متعارف برای پول دو کارکرد ا سا سی متصور ا ست. یکی جنبه معاملاتی آن ا ست که جنبه سنجش نیز در آن مستتر است. جنبه دیگر مالیت آن است. بدین صورت بود که مردم این اعتبار را پذیرفتند که هرگاه اسکناس به شخص بستانکار داده شود، برائت ذمّه حاصل می شود و در صورتی که تلف یا گم شود، دارندهٔ ا سکناس هیچ گونه حقّی برای اقامهٔ دعوا نخواهد دا شت. در این حالت عملا با پذیرش این اعتبار، پول تبدیل به مال م ستقل شده ا ست. حال در این نظام، چنانچه حاکمیت (دولت یا بانک مرکزی) خارج از چارچوبهای متعارف اقدام به انتشـار پول نماید. بگونه‌ای که مابه ازای آن در تولید ملی افزای شی حا صل ن شده و منجر به تورم و کاهش قدرت خرید پول در دست مردم شود مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» خواهد بود و مشمول نهی آیات ذکر شده قرار می گیرد (تو سلی، ۱۳۸۳). بنظر می ر سد در این حالت دولت ضامن بوده و می بای ست خ سارت وارده را جبران نماید.

ملاحظه می شود که می توان مقوله کاهش ارزش پول (ملی) را از ابعاد اسلامی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بویژه از بعد ضـمان آور بودن آن برای حکومت اسـلامی. بدین معنا که در برخی شـرایط حاکم اسـلامی نمی تواند خود را نسـبت به کاهش ارزش پول بی تفاوت نشـان داده و آن را امری طبیعی قلمدار نماید و صرفا خود را به سایر ابعاد اسلامی اقتصاد همچون خمس و زکات احکام معاملات و... محدود نماید و یا اینکه تعهدات افراد و بنگاهها نسبت به حاکمیت را دنبال نماید.

این مو ضوع در اقتصاد ایران بسیار م صداق می یابد چرا که نیم نگاهی به عملکرد اقتصاد ایران طی سه دهه اخیر حکایت از وجود نوعی تورم ساختاری و مزمن دارد که با شدت و ضعفی متفاوت طی این مدت قدرت خرید (ارزش) پول ملی (بعنوان بخشـی از دارایی شـهروندان) را کاهش داده است. بدون شک بخش قابل توجهی از علل تورم در اقتصاد ایران ریشه در سیاستهای پولی دا شته که پیوسـته در قالب افزایش حجم پول پر قدرت (و نقدینگی) نمود یافته اسـت. بعبارت دیگر در اعمال سیاستهای پول طی دهه های اخیر بدلایلی چون تأمین نیازهای بودجه ای دولت، ضعف نظام بانکی در خلق اعتبار و مواردی از این دسـت مقامات پولی تلاش کرده اند سـیاسـتهای (عمدتا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

انبســـاطی) پولی خود را از مجرای پول پر قدرت دنبال نمایند تا خلق نقدینگی در نظام اعتباری کشور.

بعبارت دیگر مشاهده می شود که طی این مدت سهم پول پر قدرت در خلق نقدینگی بسیار پر رنگ و محوری بوده اسـت و این در حالی اسـت که مدیریت پول پر قدرت در ایران صـرفا در اختیار حاکمیت می باشـــد. در علت یابی این پدیده اکثر مطالعات بخش قابل توجهی از علت را در عدم استقلال بانک مرکزی (بعنوان مقام پولی) از سیاستگذاران اقتصادی و بودجه ای کشور دانسته اند. بدین معنا که چنانچه طی این مدت اقتصـاد ایران از یک بانک مرکزی نسـبتا (و نه کاملا) مسـتقل برخوردار بود و این بانک به وظایف ذاتی خود در مقابل دولت عمل می نمود چه بسـا اقتصـادکشـور تورم به مراتب پایین تری را تجربه می نمود. هرچند که دولت در زمینه تامین نیازهای بودجه‌ای خود نیز ناچار به یافتن گزینه های دیگری می‌شـد. لذا چنانچه دولت را در بخشـی از کاهش ارزش پول ملی که منجر به ایجاد خسـارت در اموال شـهروند می‌شـود، مسـئول (ضـامن) بدانیم می توان انتظار داشت استقلال بانک مرکزی بتواند بصورت معنی داری این شرایط را بهبود بخشد. در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود.

۴- تاملی در باب استقلال بانک مرکزی

بحث استقلال بانک مرکزی از ده ۱۹۷۰ و پس از فروپاشی نظام برتون وودز[1] و سیستم پایه طلا از اهمیت بسزایی برخوردار شد و طی سال های اخیر بر اهمیت آن افزوده گردیده است؛ هم اکنون این بحث به طور جدی بین سیاستگذاران و همچنین اقتصاددانان مطرح می باشد. در این رابطه نظرات موافق و مخالفی نیز وجود دارد. امروزه تورم(افزایش مسـتمر سـطح عمومی قیمت ها و کاهش قدرت خرید پول)در اکثر کشورهای جهان وجود دارد. بیشتر کشورها هم اکنون با استفاده از قواعد و سیاست های ضدتورمی توانسته اند به نرخ تک رقمی دست یابند، ولی بعضی از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه مثل ایران با وجود تمام تلاش های خود در زمینه کاهش تورم نتوانسـتند به این امر مهم دسـت یابند. در ایران علی رغم تأکید بر کاهش تورم در برنامه های توسعه اقتصادی و سیاست هایی که برای کاهش تورم بعد از انقلاب در طول سه دهه اجرا شده است، هنوز تورم دو رقمی وجود دارد که گویای این امر است که تورم در ایران از مشکلات اساسی اقتصادی می باشد و تا اندازه ای جنبه ساختاری دارد.

با توجه به مطالعاتی که بر اساس مکاتب پولی انجام شده است، علت اصلی تورم افزایش بیش از اندازه حجم پول می باشد و اگر تغییرات حجم پول کنترل شود، می توان به تورم پایین دست

1. Breton Woods

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

یافت. بر همین مبنا است که پس از دهه ۱۹۹۰ کارآیی سیاست های پولی را همسو با استقلال بیشتر بانک های مرکزی از مقامات مالی ارزیابی می کنند.[۱]

در ایران شورای پول و اعتبار که در حقیقت مشابه کمیته سیاست‌های پولی در دیگر بانک‌های مرکزی می باشد، به عنوان یک نماد سیاستگذاری پولی در ایران ساختار کاملاً دولتی دارد. هر چند در ابتدای تشکیل بانک مرکزی ریاست شورای پول و اعتبار با رئیس بانک مرکزی بود ولی در برنامه سوم اختیار آن به وزیر امور اقتصادی و دارایی محول گردید و مجدداً در برنامه چهارم تغییر یافت و رئیس کل بانک مرکزی مسئولیت اداره آن را به عهده گرفت. ترکیب شورای پول و اعتبار متشکل از پنج وزیر، دو کارشناس اقتصادی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری و دادستان کل کشور یا نماینده آن و رؤسای اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون می باشند. دو نماینده مجلس هم به عنوان ناظر در جلسات شرکت دارند و جمعاً یازده نفر می باشند. با حضور پنج وزیر منتخب دولت و دو نفر کارشناس مورد تأیید دولت و رئیس اتاق تعاون عملاً اکثریت اعضای شورا، دولتی می باشند. همچنین به طور ضمنی کلیه تصمیمات شورای پول و اعتبار نیاز به تأیید رئیس جمهور دارد و نمی تواند تصمیماتی بر خلاف نظر دولت بگیرد، لذا شورای پول و اعتبار کاملاً هماهنگ با دولت حرکت می کند. این شرایط(چه از نظر ساختاری و چه از نظر عملکرد اقتصادی) مصداقی از عدم استقلال بانک مرکزی در یک اقتصاد می باشد.

نکته ای که در این رابطه می بایست مورد توجه قرار گیرد آن است که علی رغم پاره ای محدودیتها از نظر استفاده از ابزارهای سیاست پولی از نظر ملاحظات اسلامی، بانک مرکزی در ایران با مشکل اساسی در زمینه تنوع ابزارهای سیاست پولی مواجه نمی باشد بگونه ای که بنظر می رسد عمده مشکلات را می بایست در سیاستها و عملکردهای بانک مرکزی جستجو نمود که وابستگی آن به نظام اجرایی کشور می تواند در این رابطه نقش بسزایی داشته باشد. در جدول زیر خلاصه ای از ابزار های سیاست پولی در کشور های اسلامی (از جمله ایران) گرداوری شده است.

---

۱. لازم بذکر است کماکان در این رابطه موافقان و مخالفانی وجود دارند. مثلا همزمان که هواداران استقلال بانک مرکزی استدلال می نمایند که تبعیت سازمانی بانک مرکزی از مقامی خارج از بانک، عامل اختلال در عملکرد صحیح آن است. مخالفان استقلال بانک مرکزی مدعی‌اند که اگر در یک نظام سازمان‌های مختلف اقتصادی به گونه‌ای مستقل عمل کنند، آنگاه هر یک از این سازمان‌ها صرفاً منافع خود را در نظر می‌گیرند، نه منافع کل نظام را، به عبارت دیگر مجموع اقتصاد کشور از استقلال بانک مرکزی بهره نمی‌برد و استقلال لزوما نتیجه بهتری نخواهد داشت. حتی اگر فرض شود که سیاست پولی مستقل از سیاست‌های مالی عملکرد بهتری دارد، دلیلی بر آن نیست که استقلال بانک مرکزی همواره برای مجموعه اقتصاد کشور بهینه باشد. لازم بذکر است که دیدگاه سومی نیز وجود دارد که رویکرد آن متفاوت از دو دیدگاه نخست است. در این دیدگاه، به جای تاکید بر استقلال بانک مرکزی به اصطلاح ساختار اقتصاد توجه می‌شود .

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

جدول ۱. ابزارهای سیاست پولی در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	ابزارهای سیاست پولی
ایران	ننسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، تعیین سقف اعتبارات، اوراق مشارکت بانک مرکزی، سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی
پاکستان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، تعیین نسبت نقدینگی قانونی، تعیین سقف اعتبارات، حذف سقف نرخ انواع وامهای بانکی، تعیین درصد دارایی‌های بانک های تجاری که باید به صورت اسناد نقد باشند
سودان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین نسبت نقدینگی قانونی، تعیین سقف اعتبارات
امارات متحده عربی	نسبت ذخیره قانونی، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا
بحرین	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز
مالزی	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، تعیین نرخ تنزیل مجدد
عربستان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، تعیین سقف مجموع تسهیلات اعطایی به هر شخص حقیقی و حقوقی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید معکوس
ترکیه	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی
قطر	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا، نرخ سود وام یک‌شبه بین بانکی، نرخ سود بین بانکی
لبنان	نسبت ذخیره قانونی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز
عمان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، تعیین سقف نرخ تنزیل مجدد، نرخ سود موافقت نامه بازخرید
یمن	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز، انتشار گواهی سپرده

منبع: www.bis.org

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

۵- تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدون شک یکی از مهمترین ابزارهای سیاستگذاری کلان اقتصادی سیاستهای پولی می باشند. این سیاستها یا تغییر در جریان عرضه (و تقاضای) پول باعث ایجاد تغییراتی در اقتصاد می گردند. یکی از مهمترین تبعات (نامطلوب) سیاستهای پولی پدیده تورم (کاهش ارزش پولی ملی) می باشد. مقوله تورم با توجه به موضوع مقاله حاضر از دو جنبه حایز اهمیت می باشد. ابتدا خسارتی است که از محل کاهش ارزش دارائیهای پولی یا کاهش قدرت خرید پول به مردم تحمیل می شود. که تقریبا بدیهی بوده و مورد وفاق همگان می باشد. جنبه دیگر علل و متولیان این پدیده می باشند. در مبانی نظری در زمینه بروز تورم علل مختلفی همچون فشار تقاضا، شوکهای طرف عرضه و ... مطرح شده است که می توان در هر مورد چرایی بروز آن علت را دنبال نمود. مثلا در شوکهای طرف عرضه که منجر به کاهش عرضه محصول می شود می توان به بروز حوادث طبیعی، رکود در بخشهای اقتصادی، اختلال در عرضه برخی نهادهای تولید و ... اشاره نمود. از سوی دیگر چنانچه بروز تورم از طرف تقاضا ناشی شود می توان به عللی چون رفتارهای سفته بازانه، افزایش تقاضای ناشی از خلق پول یا اعتبارات و ... اشاره نمود. به همین دلیل در محاسبه میزان تورم از طریق شاخصهای مربوطه پیوسته به این موضوعات توجه می شود و در کنار محاسبه شاخص تورم توسط نهادهای آماری مسئول، تلاش می گردد در قالب فعالیتهای پژوهشی شاخصی تحت عنوان تورم هسته (ثقل تورم)[1] نیز محاسبه گردد. این شاخص که به آن " اینرسی تورم" نیز اطلاق می شود با خارج کردن تغییرات قیمت کالاهای پر نوسان و ادواری از شاخص اصلی تورم به محاسبه آن بخش ازتورم می پردازدکه منبعث از تغییرات مقطعی نبوده و ریشه در بنیانهای اقتصادی و جریان کلان سیاستگذاری پولی در اقتصاد دارد. بعبارت دیگر با استفاده از تورم هسته آن بخش از تورم که ماهیتی با ثبات، ساختاری و مزمن دارد از سطح عمومی قیمتها بیرون کشیده می شود.[2]

بنظر می رسد چنانچه بخشی از خسارت تورم به مالیت پول را حاصل از آن بخش از تورم بدانیم که ناشی از تغییرات و نوسانات مقطعی و موسمی تورم می باشد، که بفرض خارج از اختیارات مستقیم مقامات پولی است، می توان جهت ارزیابی خسارت وارده به شهروندان از محل سیاستهای پولی حاکمیت، از منظر "نقص در مال" از تورم هسته بهره جست. چرا که این شاخص اساسا آن بخش از تورم که ماهیتی بلند مدت و ساختاری دارد را محاسبه می نماید که تقریبا ریشه در سیاستهای کلان اقتصادی و

1. Core Inflation

۲. لازم به ذکر است همیشه نمی توان انتظار داشت که مقدار تورم هسته از مقدار کل تورم کمتر باشد چرا که مثلا در برخی زمانها بدلیل رکودهای بخشی، سطح قیمتها در بخشی از اقتصاد شدیدا کاهش یافته و باعث کاهش شاخص تورم ملی شود. لذا می توان حالتی را تصور نمود که مقدار محاسبه شده برای تورم هسته بیشتر از سطح تورم موجود در اقتصاد باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

عمدتا در حوزه پول دارد که متولی مستقیم آن بانک مرکزی باشد. لازم به ذکر است این ادعا بدان معنا نیست که کل مقدار محاسبه شده بعنوان تورم هسته می بایست ناشی از عملکرد ناکارای سیاستهای پولی دولت دانسته شده و دولت متعهد به جبران آن شناخته شود. چرا که اساسا در برخی شرایط اقتصادی مثلا در قالب نظریه منحنی فیلیپس تورم تا حدودی قابل دفاع نیز می باشد. لذا در بهره گیری از شاخص تورم هسته پیوسته می بایست به ملاحظاتی از این دست توجه نمود.

حال چنانچه بپذیریم در بخشی از تورم که باعث کاهش قدرت خرید پول از جنبه نقص در مال می شود، حکومت اسلامی ضامن باشد (هرچند که در برخی شرایط با سیاستهایی چون شاخص گذاری[1] سعی در جبران آن دارد) مقتضی است با افزایش استقلال بانک مرکزی به سطحی مطلوب (بگونه ای که بتواند فارغ از مداخلات دولت به سیاستگذاری بپردازد) این نارسائی را حداقل نمود. بویژه در اقتصادی همچون اقتصاد ایران که طی دهه های اخیر از یک تورم دو رقمی ساختاری رنج می برده و این پدیده علی رغم تلاشهای دولت برای جبران قدرت خرید مردم (کارمندان)، می تواند سته خسارتهایی را بصورت سالانه به دارائیها و درآمدهای پولی مردم از منظر نقص در مال وارد نماید. لذا جهت به حداقل رسانی این پدیده بنظر می رسد می توان افزایش استقلال بانک مرکزی را حتی از نظر ملاحظات اسلامی نیز یک ضرورت بحساب آورد.

بحث فوق جدای از خاطر نشان کردن ضرورت توجه به استقلال بانک مرکزی موضوع دیگری را نیز خاطرنشان می سازد و آن وظایف متقابل حکومت اسلامی نسبت به شهروندان در حوزه اقتصاد می باشد. بدین معنا که معمولا در متون اقتصاد اسلامی بیشتر به وظایف شهروندان در جامعه اسلامی پرداخته می شود و در حوزه کلان نیز معمولا وظایف حکومت اسلامی در زمینه هایی چون برقراری امنیت، پرداختن به مقوله عدالت و رفاه و ... مورد تاکید قرار می گیرد. حال آنکه چنانچه این موضوع به دقت مورد بررسی قرار گیرد مشاهده می شود که بسیاری از سیاستهای اجرایی و عملکردی دولتها در زمینه های اقتصادی نیز می تواند برای آنها مسئولیت آور باشد و این چیزی است که کمتر مورد توجه قرارمی گیرد. به عنوان مثال هنگامی که احتکار و سفته بازی توسط افراد و بنگاه بعنوان یک پدیده مذموم شناخته می شود و حکومت اسلامی مجاز به برخورد و مبارزه با آن شده است. چرا که با افزایش قیمت موجب اختلال در بازار می شود. در طرف مقابل رفتارهای غیر اصولی دولتها نیز در این حوزه می تواند مشمول این رویه باشد که بصورت نمونه در مقاله حاضر به بحث تورم ناشی از سیاستهای پولی ناکارا اشاره شد که باعث نقص در مال شهروندان می شود. این موضوع بدون شک می تواند یکی از زمینه های التزام حکومت ها نسبت به حقوق شهروندان از منظر ملاحظات اخلاقی اقتصاد اسلامی بحساب آید.

---

1. Indexation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

منابع و مآخذ

توتونچیان، ایرج، (۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.

توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۹، پول و یانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری؛ تهران: نشر توانگران، ص ۹۲ و ۸۸ و۱۰۲.

توسلی، محمد اسماعیل، ۱۳۸۴، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه وران اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.

تو سلی، محمد ا سماعیل، محدودیت‌ها و م سؤولیت‌های دولت ا سلامی در پولی کردن ک سر بودجه، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۳.

دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور،(۱۳۸۲)، مبانی و ا صول علم اقت صاد، قم، بو ستان کتاب، چاپ سوم، ص۳۱۱.

داودی، پرویز و حسین صمصامی، ۱۳۸۷، اقتصاد پول و بانکداری؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۱ و ۳۳.

پرویز داوودی، ح سن آقانظری، سید ح سن میرجلیلی، ۱۳۷۴، پول در اقت صاد ا سلامی، پژوه شگاه حوزه و دانشگاه.

دلالی اصفهانی، رحیم .راهکارهای دستیابی به جامعه بدون ربا، مجموعه مقالات ارایه شده در چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

عیوضلو، حسین، ۱۳۸۶، اقتصاد اسلامی از نظریه تا عمل، همشهری آنلاین.

عیو ضلو، ح سین، ۱۳۸۷، ا صول و مبانی نظام پولی در اقت صاد ا سلامی، ف صلنامه علمی پژوه شی اقتصاد اسلامی، ص ۲۹، ۴۴.

عیوضلو، حسین،۱۳۸۷، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره۲۹.

عیوضلو، حسین، ۱۳۹۳، بانکداری اسلامی بر بستر علم اقتصاد متعارف قرار نمی‌گیرد.

عیو ضلو، ح سین، می سمی، ح سین، ۱۳۹۰، نقش نظام بانکداری ا سلامی در ایجاد ثبات مالی در سطح کلان، ویژه نامه بانکداری اسلامی.

فردریک اس. می شکین، (۱۳۸۸)، اقت صاد پول، بانکداری و بازارهای مالی، جلد اول، ترجمه ق ضاوی، حسین، چاپ اول، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی ج.ا. ایران.

قضاوی، حسین. (۱۳۹۰). چارچوب سیا ست پولی در سال ۱۳۹۰. فصلنامه تازه های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۳۱.

قلی بگلو، محمد ر ضا، (۱۳۹۰)، برر سی اثربخ شی سیا ست پولی ن سبت ذخیره قانونی و ارزیابی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]

اثرات ترازنامه ای آن در شبکه بانکی کشور فصلنامه روند پژوهش های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹، صفحات ۹۴-۵۹.

مجتهد، احمد، (۱۳۸۹)، بررسی شفافیت، مسئولیت پذیری و اطلاع رسانی بانک مرکزی ایران، فصلنامه پول و اقتصاد، سال دوم، شماره ۳.

مجتهد، احمد و حسن زاده، علی (۱۳۹۱)، پول، بانکداری و نهادهای مالی، تهران: جنگل، پژوهشکده پولی و بانکی- بانک مرکزی ج.ا. ایران.

موسویان، سیّدعباس، ۱۳۸۰، بانکداری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی.

مومنی، فرشاد، حری، حمید رضا، (۱۳۸۸)، بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد، پژوهشنامه اقتصادی ویژه نامه بانک، شماره ششم.

www.bis.org

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-28]